

استفاده از چک برای کلاهبرداری

□ دکتر امیرحسین فخاری
□ دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

اگر کسانی از ابزار چک به منظور کلاهبرداری و چپاول اموال دیگران استفاده کرده باشند، آیا فقط باید تابع قانون چک باشند و بر اساس مقررات آن قانون، مورد تعقیب قرار گیرند؟ آیا یکسان دانستن افراد کلاهبردار با بازرگانان محترم و شرافتمندی که به علت برخی از تغییرات و نوسانات ناخواسته بازار و اوضاع و احوال اجتماعی، نتوانسته‌اند چکهای وعده‌دار را که مجبور به صدور آنها بوده‌اند، بپردازند، موجّه، مقبول و به مصلحت جامعه است؟

پذیرفتن این عقیده که صادرکننده چک، در هر حال، بر اساس قانون چک، قابل تعقیب و مجازات است، قطع نظر از قصد و نیت او در صدور چک و حتی اگر اثبات شود که از چک برای کلاهبرداری استفاده کرده باشد، نمی‌توان او را مطابق قانون راجع به کلاهبرداری تعقیب کرد، تالی فاسدهایی دارد.

در این نوشتار، نادرستی عقیده مزبور از یک سو و قصد قانون‌گذار از تصویب ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی سال ۱۳۱۲ و قوانین سالهای ۱۳۳۱ به بعد راجع به چک از سوی دیگر، مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد.

کلید واژگان: چک، قانون صدور چک، کلاهبرداری.

مقدمه

ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ هجری شمسی مقرر می‌داشت:

هر کس از راه حيله و تقلب، مردم را به وجود شرکتها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اختیارات واهی مغرور کند یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقع بترساند و یا اسم یا عنوان یا سمت مجعول اختیار کند و به یکی از وسائل مذکور یا وسائل تقلبی دیگر، وجوه یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصحاسب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه، مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال و پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا صد هزار ریال محکوم می‌شود....

ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ عین ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی سابق است؛ بجز مجازات مقرر در آن قانون که علاوه بر رد اصل مال به صاحب آن، مجازاتی که برقرار نموده، عبارت است از حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است. در سال ۱۳۱۲ به موجب ماده واحده‌ای، ماده ۲۳۸ مکرر به قانون مجازات عمومی افزوده شد. این ماده شامل چهار بند بود: در بند «الف» برای کسانی که بدون داشتن محل، مبادرت به صدور چک می‌نمودند، کیفر جزای نقدی معادل عشر وجه چک تعیین شده بود و در بند «ب»، مجازات حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و تأدیه جزای نقدی از ربع تا دو برابر وجه چک برای کسانی که با سوء نیت، اقدام به صدور چک بدون محل می‌نمودند، پیش‌بینی شده بود و صادرکننده‌ای با سوء نیت شناخته می‌شد که ظرف مدت پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه رسمی یا از تاریخ ابلاغ و اخواستنامه، وجه چک را پرداخت نمی‌نمود.

اولین قانون مستقل راجع به چک، در سال ۱۳۳۱ توسط مرحوم دکتر مصدق، نخست‌وزیر وقت و با استفاده از اختیارات اعطایی به تصویب رسید. طبق ماده هشت آن لایحه قانونی، مدت پنج روز مقرر در ماده ۲۳۸ مکرر، به ده روز افزایش داده شد، ولی همان مجازات پیش‌بینی شده در آن ماده را در مورد صادرکنندگان چکهای

بی محل، قابل اعمال می دانست.

با وجود آن که در سال ۱۳۳۳، لایحه قانونی مذکور به سرنوشت سایر لوایح قانونی مصوب آن مرحوم دچار گردید و نسخ شد، اما قانون چکهای بی محل سال ۱۳۳۷ دقیقاً همان لایحه قانونی سال ۱۳۳۱ بود و باز مجازات، همان بود که در ماده ۲۳۸ مکرر مقرر گردیده بود. در قانون چک سال ۱۳۴۴، ماده ۲۳۸ مکرر نسخ گردید و در ماده چهار آن، مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و جریمه نقدی معادل یک چهارم وجه چک تعیین گردیده بود. ماده شش قانون صدور چک سال ۱۳۵۵، همان مجازات قانون سال ۱۳۴۴ را باقی گذاشت و اصلاحات سال ۱۳۷۲ در این مجازات، تغییری به وجود نیاورد.

تردید نباید داشت که قانونگذار با تصویب ماده ۲۳۸ مکرر و قوانین سالهای ۱۳۳۱، ۱۳۳۷، ۱۳۴۴ و ۱۳۵۵ راجع به چک، قصد نداشته اشخاصی را که با صدور چک، مرتکب کلاهبرداری شده باشند، از شمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی خارج سازد و مجازات خفیفتری نسبت به آنها قابل اعمال بداند. غرض مقنن آن بوده که هرگاه اشخاص، به رغم تصریح قانون تجارت به این که چک، دستور پرداخت است و در صورت داشتن محل، می توان اقدام به صدور نمود، چک صادر کنند، باید از نظر جزایی قابل تعقیب باشند. در نهایت، مقابله با آنان باید با نوع رفتاری که با کلاهبرداران می شود، متفاوت باشد. قبل از آن که ماده ۲۳۸ مکرر به تصویب برسد، هر کس چک صادر می کرد و با عدم تأدیه روبه رو می شد، بر اساس ماده ۲۳۸ به عنوان کلاهبردار تعقیب می شد.

چنان که می دانیم، معاملات بین بازرگانان، به صورت غیر نقدی یا مدت دار انجام می شود و به ندرت اتفاق می افتد که تاجری از تاجر دیگر، کالایی را نقداً خریداری کند و همچنین می دانیم که تقریباً در همه معاملات مدت دار، سندی که خریدار به فروشنده می دهد و به موجب آن، اطمینان فروشنده را جلب می کند که ثمن در زمان مورد توافق پرداخت خواهد شد، چک می باشد. بنابراین، اکثریت بسیار عظیم چکهای مورد مبادله بین بازرگانان، وعده دار می باشد. سالهاست که در ایران، صدور چک وعده دار بابت معاملات غیر نقدی، رویه ای معمول و متداول شده است و اگر قرار

باشد خریدار بابت کالایی که می‌خرد و ثمن آن را مدتی بعد خواهد پرداخت، چک ندهد، فروشنده حاضر نخواهد بود با او معامله کند و بازرگانان، هیچ چاره‌ای جز صدور چک وعده‌دار ندارند.

این امر، مسلّم است که بازرگانان بر اساس محاسباتی که دارند، با صدور چک وعده‌دار، تعهد می‌کنند در آینده، مبالغی را پرداخت کنند و به طور معمول، با توجه به جوهری که قرار است از بدهکاران خود دریافت کنند، متعهد می‌شوند که پرداختهایی صورت دهند. کافی است شخص یا اشخاصی که در قبال آنان متعهد شده‌اند، به تعهدات خود عمل نکنند؛ طبیعی است که آنها نیز عاجز از پرداخت خواهند بود و چکهایی که صادر کرده‌اند، با عدم پرداخت روبه‌رو می‌شود.

تردیدی نیست که چنین بازرگانانی، دارای سوء نیت نیستند و طبق رویه و عرف معمول در بازار عمل کرده‌اند و این اشخاص، به هیچ وجه چکی صادر نکرده‌اند که وجه آن را نپردازند. اصولاً بازرگانان برای اعتبار خود، ارزش و اهمیت فراوان قائلند و هیچ‌گاه مایل نیستند اعتباری را که طی سالها زحمت و مواظبت کسب کرده‌اند و چه بسا در به دست آوردن آن اعتبار، دو سه نسل کوشیده‌اند، با عدم تأدیه وجه چند فقره چک، از دست دهند.

بنابراین، امروزه در ایران، چک در اکثر موارد، به جای برات و سفته به کار می‌رود. برات و سفته، سند اعتباری است و در سطح جهانی، بین بازرگانان در معاملات مدت‌دار مورد استفاده قرار می‌گیرد. اسناد مذکور، از این امتیاز عمده برخوردار است که لازم نیست نزد صاحب سند تا سررسید باقی بماند و در آن هنگام، دارنده سند جهت دریافت وجه آن اقدام کند، بلکه در فاصله بین تاریخ صدور و تاریخ سررسید، دارنده قادر خواهد بود به دو طریق از وجود آن سند کسب اعتبار کند: نخست آن که سند مزبور را اسکنت کند؛ یعنی وجه آن را با کسر مبلغی متناسب با نرخ اسکنت، وصول نماید و مورد استفاده قرار دهد. دوم آن که در معاملات مدت‌دار خود که به دیگران مدیون می‌شود، آن سند را با ظهرو نویسی یا قبض و اقباض (حسب مورد) تسلیم نماید.

به علت امتیازاتی که مقررات قانونی یا رویه قضایی برای چک برقرار ساخته،

تقریباً همه افراد به جای استفاده از برات و سفته، چک صادر می‌کنند و چنان که دیدیم، آنها به این نیت چک وعده‌دار صادر نمی‌کنند که وجه آن را در سر وعده پرداخت نکنند؛ زیرا همان طور که گفته شد، اشخاص تاجر برای اعتبار تجارتي خود، ارزش فوق‌العاده قائلند و خود را به هر آب و آتشی می‌زنند که مبادا آن اعتبار، دستخوش تزلزل قرار گیرد، ولی طبیعتاً از آن جا که همه چیز به دست تاجر نیست و کار و فعالیت او به مقدار زیادی تابع عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ چه داخلی و چه بین‌المللی می‌باشد که در ایجاد و تغییر آنها کمترین دخالتی ندارد و چه بسا به علت تغییرات و نوساناتی که در آن عوامل پدید می‌آید، از عهده پرداخت چکهای خود در سررسیدهای تعیین شده برنیايد، در این گونه موارد، مسلم است که تاجر صادرکننده چک، دارای سوء نیت نیست و خلاف عرف عمل نکرده و اگر چک وعده‌دار صادر کرده، لاعلاج بوده و در صورت عدم صدور، کسب و کار و فعالیت او دچار اختلال و تعطیلی می‌شد و احیاناً کارش به ورشکستگی منتهی می‌گردید.

البته مسلماً صدور چک وعده‌دار از ناحیه او، خلاف مقررات قانونی است. قانون‌گذار، چک را به عنوان سندی شناخته که برای پرداختهای نقدی مورد استفاده قرار گیرد و در ماده ۳۱۱ قانون تجارت «بیوعده بودن» را یکی از شرایط اعتبار چک اعلام داشته است. مقنن سال ۱۳۷۲ نیز به منظور متروک و منسوخ کردن رسم چک وعده‌دار، صدور این گونه چکها را جرم شناخته است. اما به رغم این کوشش قانونی، رسم صدور چک مدّت‌دار، با همان شدت سابق ادامه دارد. علت هم چنان که دیدیم، این است که بازرگانان، جز آن چاره‌ای ندارند.

به نظر این جانب، مقررات قانونی در مجرم شناختن صادرکنندگان چکهایی که با عدم پرداخت روبه‌رو می‌شود، نظر به اشخاصی داشته که در کسب و کار و تجارت خود از ابزار چک استفاده می‌کنند، بدین نیت که وجه آنها را پرداخت کنند و تلاش هم جهت تأدیه آنها به عمل می‌آورند، ولی چنان که دیدیم، ممکن است در پاره‌ای موارد، این پرداخت صورت نگیرد. قانون‌گذار خواسته است برای اعتبار بخشیدن به این سند و با این قصد که چک در معاملات، به جای پول، وسیله مبادله قرار گیرد، مجازاتهایی اعمال گردد.

اما اگر کسانی چک صادر کنند، بدون آن که قصد پرداخت وجه آن را داشته باشند و ثابت شود که صادرکننده با صدور چک، قصد اغوا داشته و می‌خواسته اشخاصی را فریب دهد و امیدوار کند که در زمان مورد توافق، پرداخت صورت خواهد گرفت و به عبارت دیگر، از ابزار چک به منظور کلاهبرداری استفاده کرده باشند، آیا این قبیل اشخاص فقط باید تابع قانون چک باشند و بر اساس مقررات آن قانون، مورد تعقیب قرار گیرند؟ آیا این بی‌عدالتی محض نیست؟ آیا یکسان دانستن بازرگانان محترم و شرافتمندی که به علت برخی از تغییرات و نوسانات و فعل و انفعالات بازار و اوضاع و احوال اجتماعی، نتوانسته‌اند چکهای وعده‌داری را که مجبور به صدور آنها بوده‌اند، بپردازند. با اشراری که به قصد کلاهبرداری، چک صادر کرده‌اند و چک را به عنوان وسیله‌ای برای چپاول اموال دیگران، مورد استفاده قرار داده‌اند، موجب و مقبول و به مصلحت جامعه است؟

در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی سابق و در قانون مصوب سال ۱۳۶۷ راجع به مجازات کلاهبرداری، توسل به وسایل متقلبانه در بردن مال غیر را کلاهبرداری دانسته‌اند، بدون آن که آن وسایل را منجزاً برشمارند. موفقیت کلاهبردار، بستگی به شیوه‌هایی دارد که به کار می‌بندد؛ هرچه شگردهای او ابتکاری‌تر باشد، توفیق او بیشتر خواهد بود. بنابراین، اگر محرز شود که از چک برای امیدوار ساختن اشخاص و بردن مال آنها استفاده شده، چگونه می‌توان گفت که عمل صدور چک توسط وی، عنوان کلاهبرداری ندارد؟

در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری می‌خوانیم که «هر کس از راه حيله و تقلب، مردم را به امور غیر واقع امیدوار نماید و از این راه، مال آنها را ببرد، کلاهبردار محسوب می‌شود». مگر نه این است که وقتی کسی چک صادر می‌کند و قصد پرداخت وجه آن را ندارد، در حقیقت، شخص طرف قرارداد را به امری که واقعیت ندارد، امیدوار می‌سازد؟ او با صدور چک، این‌طور وانمود می‌کند که وجه آن را در تاریخ مندرج در سند، پرداخت خواهد کرد، در حالی که صادرکننده، چنین قصدی ندارد و با این کار، مخاطب خود را به امری غیر واقعی امیدوار ساخته و چک داده و اموالی را تحویل گرفته است؛ بدون آن که وجه آن را بپردازد و اگر چک

صادر نمی‌کرد و از این ترفند استفاده نمی‌کرد، بدون شک، امکان نداشت که کسی جنسی به او بفروشد. پس با استفاده از این مانور، توانسته کلاهبرداری کند؛ یعنی از چک، دقیقاً به عنوان ابزاری برای کلاهبرداری استفاده کرده است.

پذیرفتن این عقیده که صادرکننده چک، در هر حال بر اساس قانون چک، قابل تعقیب و مجازات است، قطع نظر از قصد و نیت او در صدور چک و حتی اگر اثبات شود که از چک برای کلاهبرداری استفاده کرده باشد، نمی‌توان او را مطابق قانون راجع به کلاهبرداری تعقیب کرد، تالی فاسدهای وحشتناکی دارد.

این آثار منفی را نخست در این فرض مطالعه می‌کنیم که چک صادر شده، مشمول ماده ۱۳ قانون چک تلقی گردد. آنگاه به آثار آن در فرضی می‌پردازیم که چک، تحت شمول ماده ۷ قانون یاد شده دانسته شود.

الف) چکهای مشمول ماده ۱۳ قانون صدور چک

می‌دانیم که بر اساس قانون چک قبل از اصلاحات سال ۱۳۷۲، اگر ثابت می‌شد که چک، وعده‌دار است، صادرکننده دیگر بر اساس مقررات آن قانون، قابل تعقیب کیفری نبود و باز می‌دانیم که مطابق مقررات قانونی مربوط به قبل از سال ۱۳۷۶، بستانکار حتی اگر حکم محکومیت بدهکار را در دست می‌داشت و علیه او اجرائیه هم صادر می‌کرد و نمی‌توانست مالی از او جهت استیفای حق خود دریافت نماید، نمی‌توانست تقاضای بازداشت بدهکار را تا یوم‌الاداء به عمل آورد و از حکمی که با زحمت زیاد و پرداخت هزینه تحصیل کرده بود، طرفی بر نمی‌بست.

در سال ۱۳۷۲ با اصلاح قانون چک، صدور چک وعده‌دار، جرم شناخته شده است، اما از آن جا که مجازات آن مطابق ماده ۱۳ قانون چک، حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا جزای نقدی از ۱۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان است، محاکم در تعقیب سیاست جزایی قوه قضائیه، در صورت احراز وعده‌دار بودن، صادرکننده را به جزای نقدی محکوم می‌کنند و کسی که مبالغ کلانی با صدور چک وعده‌دار به دست آورده، بسیار

خوشحال خواهد شد که حتی حداکثر مبلغ جزای نقدی مقرر قانونی؛ یعنی یک میلیون تومان را پرداخت کند.

ظاهراً سیاست قوه قضائیه و دولت و مجلس بر این است که یا کلیه جنبه‌های جزایی را از چک بزدایند و یا حداکثر وضع را به حال قبل از سال ۱۳۷۲ برگردانند و صدور چکهای وعده‌دار را جرم نشناسند. اخیراً لایحه دولت در کمیسیون قضایی مجلس به تصویب رسیده و جنبه جزایی صدور چک وعده‌دار، زایل گردیده و به احتمال بسیار قوی، لایحه دولت به نحوی که کمیسیون مزبور تصویب کرده، به تصویب نهایی خواهد رسید.

کلاهبرداران حرفه‌ای، آنقدر تدبیر و چاره‌اندیشی دارند که در چکهایی که صادر می‌کنند، اثری بر جای بگذارند که آن چکها وعده‌دار است و بنابراین، با اثبات وعده‌دار بودن، دیگر مطابق قانون چک، قابل تعقیب نیستند و اگر نظریه کسانی مورد عمل قرار گیرد که صادرکننده چک، فقط مطابق قانون صدور چک قابل تعقیب است، نتیجه این خواهد شد که شخصی که با استفاده از ابزار چک، کلاهبرداری کرده، نه طبق قانون چک قابل تعقیب خواهد بود و نه مطابق قانون خاص مربوط به مجازات کلاهبرداران. باز می‌دانیم که تحت حکومت قانون صدور چک فعلی، در صورتی که دارنده چک، دادخواست ضرر و زیان را به موقع تقدیم کند، دادگاه ضمن صدور حکم بر محکومیت جزایی صادرکننده، او را نیز معادل مبلغ چک و خسارات، از نظر مدنی هم محکوم می‌نماید و در مقام اجرا، دارنده می‌تواند صادرکننده را یوم‌الاداء نماید. ولی طبق اصلاحاتی که در لایحه دولت در کمیسیون قضایی مجلس به عمل آمد، یوم‌الاداء کردن صادرکنندگان چک، لغو گردیده است و این خود امتیاز بزرگی است برای اشخاصی که به قصد کلاهبرداری، اقدام به صدور چک می‌نمایند.

تردیدی نیست که قصد نمایندگان مجلس و دولت و قوه قضائیه این نبوده که اشخاص حرفه‌ای از این امتیاز برخوردار شوند، بلکه نیتشان آن بوده که بازرگانان صادرکننده چک که با مشکل روبه‌رو می‌شوند و نمی‌توانند چکهای خود را پرداخت کنند، به کلی از هستی ساقط نشوند و زندگی خود و خانواده‌شان متلاشی نگردد. ممکن است گفته شود: در هر حال، دارنده چک قادر خواهد بود با تقدیم

دادخواست به قصد مطالبه وجه چک، حکم محکومیت صادرکننده را اخذ کند و با صدور اجرائیه، در صورتی که نتواند مالی از صادرکننده شناسایی نماید، تقاضا کند بر اساس قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۶، محکوم علیه بدهکار تا یوم‌الاداء در بازداشتگاه نگه‌داری شود.

باید توجه داشت که عده‌ای از نمایندگان مجلس و بسیاری از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که قانون اخیر، عادلانه و به مصلحت جامعه نیست و کوششهایی در جریان است که این امتیاز را از محکوم‌له سلب نمایند و اساساً آن را موافق موازین حقوق بشر نمی‌دانند. اگر چنین شود، نتیجه این خواهد شد که دارنده چک از نظر مدنی هم دستش به جایی بند نشود.

حتی در حال حاضر که بستانکار محکوم‌له می‌تواند با تقاضای صدور اجرائیه علیه محکوم علیه بدهکار، تقاضا کند که تا یوم‌الاداء بازداشت گردد، این امکان برای محکوم علیه وجود دارد که از زندان دعوی اعسار طرح کند و با توجه به تعداد انبوه زندانیان و تمایل دستگاه قضایی در کم کردن زندانیها، محاکم چندان در قبول دعوی اعسار سختگیری به خرج نمی‌دهند. ضمن آن که در برخی از موارد، این چنین دعوی را به شعبه یا شعب معینی ارجاع می‌کنند که قضات آنها موافق با پذیرش دعوی اعسار می‌باشند.

ب) چکهای مشمول ماده ۷ قانون چک

برابر ماده ۷ قانون صدور چک، مجازات صادرکنندگان چک بدون محل، شش ماه تا دو سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی مقرر گردیده است.

اگر دارنده چک شانس بیاورد و از سوی صادرکننده، هیچ‌گونه دلیلی بر وعده‌دار، تضمینی، مشروط به شرط، تأمین اعتبار یا سفید امضا بودن چک ارائه نشود و در نتیجه، عمل صدور چک، منطبق با ماده ۷ قانون صدور چک باشد، بر اساس ماده ۷

قانون مورد نظر که فعلاً حکومت دارد، صادرکننده به حبس و جزای نقدی محکوم می‌شود، اما از آن جا که نوعاً چک‌هایی که پرداخت آنها با مشکل روبه‌رو می‌شود، چک‌های وعده‌دار است، در صورت ثبوت این امر، دیگر صادرکننده تحت شمول ماده ۷ قرار نمی‌گیرد.

حتی اگر صادرکننده چک مشمول ماده ۷ قرار گیرد، توجه به سه مطلب مهم، ضروری است:

نخست آن که در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی، مجازات جزای نقدی از ماده ۷ حذف گردیده و تنها مجازات حبس باقی مانده است. طبیعی است که تحمل چند ماه حبس برای متهمی که کلاهبرداری کرده، سنگین نیست و چه بسا بسیار خوشحال‌کننده هم باشد که از خطر محکومیت به اتهام کلاهبرداری رهایی یافته است. دوم آن که همان کمیسیون، چنان که دیدیم، تصویب نموده است که دیگر دارنده چک، نخواهد توانست تقاضا کند که صادرکننده تا پرداخت وجه چک در زندان نگاه‌داری شود.

سوم آن که ممکن است قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، دستخوش اصلاح گردد و بازداشت بدهکاران محکومیت یافته ملغی شود.

بدین ترتیب، به این نتیجه می‌رسیم که دارنده چک که اموال خود را از دست داده، کاملاً خلع سلاح می‌شود و دستگاه قضایی عملاً هیچ کاری نمی‌تواند برای او انجام دهد. در حالی که اگر صادرکننده با قصد کلاهبرداری اقدام به صدور چک نموده باشد و دارنده بتواند او را به اتهام کلاهبرداری تعقیب کند، از این امکان برخوردار خواهد شد که تا صادرکننده فرصت کافی پیدا نکرده و کلیه اموال مورد کلاهبرداری را از دسترس خارج نکرده، تمام یا حداقل قسمتی از آن اموال را تحت توقیف درآورد. مسلم است که قانون تشدید مجازات کلاهبرداران مصوب سال ۱۳۶۷، اهم مؤثری است که مالباختگان بتوانند با توسل به آن، استیغای حق نمایند.

نتیجه:

چنان که ملاحظه گردید، قبول این نظر که تعقیب و مجازات صادرکنندگان چک، قطع نظر از این که قصد آنان در صدور چک، از چه قرار بوده و حتی اگر ثابت شود که از

چک به منظور کلاهبرداری استفاده کرده‌اند، باید بر اساس قانون چک به عمل آید، منجر به این خواهد شد که افرادی مال خود را توسط اشخاص ظاهراً صلاح، مردم‌فریب و کلاهبردار از دست بدهند و هیچ اهرم مؤثری برای احقاق حق نداشته باشند و دستشان به جایی نرسد و از تلاشهایشان سودی نبرند.

ممکن است بعضی به ماده ۱۰ قانون صدور چک استناد کنند و بگویند: مطابق آن ماده «هر کس با علم بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود» و نتیجه بگیرند که اگر کسی از حساب بسته چک صادر کند، خوب می‌داند که آن چک با عدم پرداخت روبه‌رو می‌شود و این کار، کلاهبرداری محسوب می‌شود و مقنن، این عمل را مشمول قانون چک دانسته است؛ در پاسخ باید گفت که در همه موارد، وضع بر این منوال نیست؛ زیرا هستند اشخاصی که اولاً، نمی‌دانند حساب بانکی‌شان مسدود شده است (معمولاً رویه بانکها بر این است که اگر حسابی مدتی فعال نباشد، آن را می‌بندند و مراتب را هم به دارنده حساب اطلاع نمی‌دهند). ثانیاً، حتی اگر صاحب حساب هم بداند که حساب او مسدود شده و با این وصف، به عهده آن حساب، چک صادر کند، چه بسا نظر او آن باشد که وجه چک را قبل از سررسید، تأمین کند و ترتیب پرداخت آن را به دارنده آن بدهد. این احتمال وجود دارد که ماده مرقوم، بیشتر مربوط به این گونه افراد باشد، نه اشخاصی که با قصد کلاهبرداری، به عهده حساب مسدود، چک صادر می‌کنند. از همه اینها گذشته، مطابق ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم قابل تعزیر، هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدّد جرم باشد، مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشدّ است».

بر اساس این ماده، در صورتی هم که بگوییم صادرکنندگان چک، تابع قانون چک هستند، ولی اگر احراز شود که صادرکننده با نیت کلاهبرداری اقدام کرده و از چک به عنوان ابزار و وسیله‌ای برای انجام آن منظور استفاده نموده است، باید بگوییم که فعل واحد، مشمول دو عنوان مجرمانه است: یکی صدور چک و دوم، کلاهبرداری، و چون مطابق قانون حاکم به جرم کلاهبرداری، مجازات کلاهبرداری اشدّ است، متهم باید تحت آن عنوان تعقیب و مجازات شود.